

شروع شد...

گفته شده که جمعی نزد ناصرالدین شاه از قآنی سعایت کردند که در موضوع عشق عرفان شعر بسیار دارد ولی برای امام حسین شعری ندارد ناصرالدین شاه نیز از او می خواهد که برای امام حسین شعری بسراید و چندی بعد برایش بخواند او نیز می پذیرد و می رود ولی شعری نمی سراید تا آن روز در نزد ناصرالدین شاه با توسلی به سیدالشهدا این شعر را فی البداهه می سراید:.

از غم! کدام غم؟ غم سلطان اولیا	بارد چه؟ خون! که؟ دیده! چسان؟ روز و شب! چرا؟
نامش که بود؟ فاطمه جدش که؟ مصطفی!	نامش که بد؟ حسین! ز نژاد که؟ از علی
کمی؟ عاشق محرم، پنهان؟ نه برملا	چون شد؟ شهید شد! به کجا؟ دشت ماریه
شد از گلو بریده سهرش؟ نی نی از قفا	شب کشته شد؟ نه روز چه هنگام؟ وقت ظهر
که شمر از چه چشمه؟ ز سر چشمه فنا	سیراب کشته شد؟ نه! کس آبش نداد؟ داد!
کارش چه بد؟ هدایت، یارش که بد؟ خدا	مظلوم شد شهید؟ بلی جرم داشت؟ نه
ز اولاد همد، از چه کس؟ از نطفه زنا!	این ظلم را که کرد؟ یزید! این یزید کیست؟
نزد که؟ نزد زاده مرجانه دغا	خود کرد این عمل؟ نه! فرستاد نامه ای
از کفتم یزید تخلف نکرد؟ لا	ابن زیاد زاده مرجانه بد؟ نعم!

لِنَمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیداده روی اربعین

این نابکار کشت حسین را به دست خویش؟

میرپسه که بد؟ عمر سعد! او برید؟

بخبر برید خنجر او را نکرد شرم

بهر چه؟ بهر آن که شود خلق را شفیع

کس کشته شد هم از پسرانش؟ بلی دوتن

دیگر پسرنداشت؟ چرا داشت آن که بود

ماند او به کربلای پدر؟ نی! به شام رفت

تنها؟ نه! با زمان حرم؛ نامشان چه بود؟

بر تن لباس داشت؟ بلی! کرد رهنگذار

پیار بد؟ بلی چه دوا داشت؟ اشک چشم

کس بود هم‌هش؟ بلی اطفال بی‌پدر

از زینب و زمان چه به جا مانده بد؟ دو چیز

گبر این تسم کند؟ نه! یهود و مجوس؟ نه!

قآنی است قایل این شعر با بلی

نه او روانه کرد سپه سوی کربلا

حلق عزیز فاطمه نه شمر بی‌حیا

کرد از چه پس برید؟ نپذیرفت از وقتنا

شرط شفاعتیش چه بود؟ نوحه و بکا!

دیگر که نه برادر دیگر که اقربا

بجاد چون بد او به غم و رنج مبتلا

با عز و احتشام؟ نه! با ذلت و عنا

زینب سکنه فاطمه گلشوم بینوا

بر سر عمامه داشت؟ بلی! چوب اشقیاء

بعد از دوا غذاش چه بد؟ خون دل غذا

دیگر که بود؟ تب! که نمی‌گشت از وجدا

طوق تسم به کردن و خلخال غم به پا

هندو؟ نه! بت پرست؟ نه! فریاد ازین جفا

خواهد چه؟ رحمت! از که؟ ز حق! کی؟ صف جزا!

لِنَمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد
پیداده روی اربعین

ماه تمام

اربعین حسینی در کلام مقام معظم رهبری حفظه الله

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیداده روی اربعین

اهمیت اربعین از کجاست؟ صرف این که چهل روز از شهادت شهید می گذرد، چه خصوصیتی دارد؟ اربعین خصوصیتش به خاطر این است که در اربعین حسینی، یاد شهادت حسین زنده شد و این مسئله بسیار مهمی است. شما فرض کنید اگر این شهادت عظیم در تاریخ اتفاق می افتاد، یعنی حسین بن علی و بقیه شهیدان در کربلا شهید می شدند، اما بنی امیه موفق می شد همان طور که خود حسین و یاران عزیزش را از صفحه روزگار برافکند و جسم پاکشان را در زیر خاک پنهان کرد، یاد آنها را هم از خاطره نسل بشر در آن روز و روزهای بعد محو کند، آیا در این صورت این شهادت فایده ای برای عالم اسلام داشت؟ یا اگر در آن روزگار اثری داشت، آیا این خاطره در تاریخ، برای نسل های بعد، برای گرفتاری ها و سیاهی ها و تاریکی ها و یزیدی های دوران آینده تاریخ هم اثری روشننگر و افشا کننده داشت؟ اگر حسین شهید می شد، اما مردم آن روز و مردم نسل های بعد نمی فهمیدند که حسین شهید شده، آیا این خاطره می توانست اثر و نقشی در رشد و سازندگی و هدایت و

برانگیزانندگی ملت ها و اجتماعات و تاریخ بگذارد؟ می بینید که هیچ اثری نداشت. بله، حسین که شهید شد، به اعلیٰ علین رضوان خدا رسید، شهیدانی که در غربت و سکوت شهید شدند، به اجر خودشان در آخرت رسیدند، روح آنها فتوح و گشایش را در درگاه رحمت الهی به دست آورد؛ اما چقدر درس شدند، چقدر اسوه شدند؟ آن شهیدی درس می شود که شهادت و مظلومیت او را نسل های معاصرو آینده اش بدانند و بشنوند. آن شهیدی درس و اسوه می شود که خون او بجوشد و در تاریخ سرازیر شود. مظلومیت یک ملت وقتی می تواند زخم پیکرستم کشیده ملت ها را شفا بدهد و مرهم بگذارد که این مظلومیت فریاد بشود؛ این مظلومیت به گوش انسان های دیگر برسد. برای همین است که امروز ابرقدرت ها صدا توی صدا انداختند که صدای ما بلند نشود. برای همین است که حاضرند پول های گزاف خرج کنند تا دنیا نفهمد که جنگ تحمیلی چرا و با چه انگیزه ای به وجود آمد. آن روز هم دستگاه های استکباری حاضر بودند هر چه دارند خرج کنند تا نام و یاد و خون حسین و شهادت عاشورا مثل درس در ذهن مردم آن زمان و ملت های بعد باقی نماند و شناخته نشود. آنها در ابتدا نفهمیدند که چقدر مطلب با عظمت است و هر چه بیشتر گذشت، بیشتر متوجه شدند. در اواسط دوران بنی عباس، حتی قبر حسین بن علی (ع) را ویران کردند، آب انداختند؛ خواستند هیچ اثری از او باقی نماند. نقش یاد و خاطره شهیدان و شهادت این است. شهادت بدون خاطره، بدون یاد، بدون جوشش خون شهید، اثر خودش را نمی بخشد و اربعین آن روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا آغاز شد و روز بازماندگان شهادت است؛ حال چه در اربعین اول، خانواده امام حسین (ع) به کربلا آمده باشند یا نیامده باشند. اما اربعین اول روزی است که برای اولین بار زائران شناخته شده حسین بن علی، جابر بن عبدالله انصاری و عطیه از اصحاب پیغمبر، به کربلا آمدند. جابر بن عبدالله نابینا بود و آن طور که در نوشته ها و اخبار آمده، عطیه دستش را گرفت و روی قبر حسین بن علی گذاشت و او قبر را لمس کرد و گریه کرد و با او حرف زد

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پدیده روی اربعین

و خاطرہ حسین بن علی را زنده کرد و سنت زیارت قبرشہدا را پایہ گذاری کرد.
اربعین چنن روزمہمی است.

هدف از حرکت امام حسین (ع)

حرکت امام حسین علیہ السلام برای اقامہ حق و عدل بود: «انما خرجت لطلب
الاصلاح فی امة جدی ارید ان امر بالمعروف وانہی عن المنکر...»^۱

در زیارت اربعین کہ یکی از بہترین زیارات است، می خوانیم: «و منح النصح و بذل
مہجتہ فیک لیستنقذ عبادک من الجہالۃ و حیرۃ الضلالہ». آن حضرت در بین راہ،
حدیث معروفی را کہ از پیامبر (ص) نقل کردہ اند، بیان می فرمایند: «ایہا الناس ان
رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم قال: من رأى سلطانا جائرا مستحلا لحرم اللہ
ناکثا لعہد اللہ مخالفا لسنة رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم یعمل فی عباد اللہ
بالاثم والعدوان فلم یغیر علیہ بفعل ولا قول کان حقا علی اللہ ان یدخلہ مدخلہ»^۲

لِنُمِّدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیداہ روی اربعین

۵

تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری کہ دربارہ آن بزرگوار از معصومین
رسیدہ است، این مطلب را روشن می کند کہ غرض، اقامہ حق و عدل و دین خدا
و ایجاد حاکمیت شریعت و برہم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بودہ است. غرض،
ادامہ راہ پیامبر اکرم (ص) و دیگر پیامبران بودہ است: «یا وارث ادم صفوة اللہ یا
وارث نوح نبی اللہ...»^۳ و معلوم است کہ پیامبران ہم برای چہ آمدند: «لیقوم الناس
بالقسط»؛ اقامہ قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.

رمز زنده ماندن واقعه عاشورا

اگر زینب کبری (س) و امام سجّاد (ع) در طول آن روزهای اسارت - چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و عزیمت به مدینه و در طول سالهای متمادی که این بزرگواران زنده ماندند - مجاهدات و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمی کردند، واقعه عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی ماند.

چرا امام صادق (ع) - طبق روایت - فرمودند که هر کس یک بیت شعر درباره حادثه عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را براو واجب خواهد کرد؟ چون تمام دستگاه های تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگه داشتن مسأله عاشورا و کلاً مسأله اهل بیت، تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ این گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرت های ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطننت آمیزی کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه عاشورا - که با این عظمت در بیابانی در گوشه ای از دنیای اسلام اتفاق افتاده - با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاشها از بین می رفت. آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین بن علی (ع) بود. به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی (ع) و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب و امام سجّاد (ع) و بقیه بزرگواران دشوار بود. البته صحنه آنها، صحنه نظامی نبود؛ بلکه تبلیغی و فرهنگی بود. ما به این نکته ها باید توجه کنیم.

لِنُمِّدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیداده روی اربعین

درس اربعین

درسی که اربعین به ما می دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت. شما ببینید از اول انقلاب تا امروز، تبلیغات علیه انقلاب و امام و اسلام و این ملت، چه قدر پرحجم بوده است. چه تبلیغات و طوفان هایی که علیه جنگ به راه افتاد؛ جنگی که دفاع و حراست از اسلام و میهن و حیثیت و شرف مردم بود. ببینید دشمنان علیه شهدای عزیزی که جانشان - یعنی بزرگترین سرمایه شان - را برداشتند و رفتند و در راه خدا نثار کردند، چه کردند و مستقیم و غیرمستقیم، با رادیوها و روزنامه ها و مجله ها و کتاب هایی که منتشر می کردند، در ذهن آدم های ساده لوح در همه جای دنیا، چه تلقین هایی کردند. حتی افراد معدودی از آدمهای ساده دل و جاهل و نیزانسان های موجه و غیرموجهی در کشور خودمان هم، در آن فضای ملتهب جنگ، گاهی حرف هایی می زدند که ناشی از ندانستن و عدم احاطه به حقایق بود. همین چیزها بود که امام عزیز را برمی آشفست و وادار می کرد که با آن فریاد ملکوتی، حقایق را با صراحت بیان کند. اگر در مقابل این تبلیغات، تبلیغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد؛ دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است. البته، اکثریت قاطع ملت و آحاد مردم ما، به برکت آگاهی ناشی از انقلاب، در مقابل تبلیغات دشمن بیمه هستند و مصونیت پیدا کرده اند. از بس دشمن دروغ گفت و چیزهایی را که در مقابل چشم مردم بود، به عکس و واژگون نشان داد و منعکس کرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته ها و بافته ها و یاوه گویی های تبلیغات جهانی، به کلی سلب شده است.

لِنُفِّدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَا

معرفتی موجز در مورد
پیداه روی اربعین

دستگاه ظالم جبار یزیدی با تبلیغات خود، حسین بن علی(ع) را محکوم می ساخت و وانمود می کرد که او کسی بود که برضد دستگاه عدل و حکومت اسلامی و برای دنیا قیام کرده است! بعضی هم، این تبلیغات دروغ را باور می کردند. بعد هم که حسین بن علی(ع)، با آن وضع عجیب و با آن شکل فجیع، به وسیله دژخیمان در صحرای کربلا به شهادت رسید، آن را یک غلبه و فتح وانمود کردند. اما تبلیغات صحیح دستگاه امامت، تمام این بافته ها را عوض کرد. حق، این گونه است.

پی نوشت:

۱ و ۲- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹ و ۳۸۲

۲- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت وارث.

لِنَمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پياده روی اربعين

اربعین حرکتی تمدن ساز

استاد طاهرزاده

لِنُمَهِّدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پياده روی اربعين

اربعین سنت شیعیان بیدار دل

۹

اربعین سنت شیعیان بیدار دلی است که وفاداری خودشان را به امام، با مرور زمان از بین نمی برند. لذا آن که مومن به حق است نمی تواند به حقیقت مجسم یعنی ابا عبدالله (علیه السلام) مومن نباشد. و اگر کسی همواره به یاد حق است نمی شود که همواره به یاد حقیقت مجسم نباشد. هرچند که غوغای زمان غیر این را بخواهد. غوغای زمان تلاش کرد که پاک کند ابا عبدالله (علیه السلام) را از صحنه خاطره ها و آن همه تهمت ها و آن همه تلاش ها و تبلیغات سوء برای این بود که ذهن ها از یاد ابا عبدالله (علیه السلام) برود. و این که اربعین بسیار مهم است و نشان مومن است یعنی این که کسانی هستند زیر این آسمان که غوغای زمانه آن ها را از وفاداری به حقیقت مجسم غافل نمی کند و سنت اربعین سنت انسان هایی است

که اسیر حکومت یزیدی نشدند. وفاداری به حقیقت و وفاداری به حق مرور زمان بر نمی دارد.

اربعین ادامه عهد مومن با حسین علیه السلام

آن هایی که رنگ حسینی (علیه السلام) را خواستند بی رنگ کنند، خودشان تسلیم بی رنگی شدند و از یاد حسین (علیه السلام) رفتند، این ها اصلاً مومن نیستند. این که فرمود نشانه ی ایمان زیارت اربعین است یعنی اربعین ادامه عهد مومن است با حسین (علیه السلام)، هرچند که حاکمان بخواهند این عهد و وفاداری را از بین ببرند. این یک قاعده است که همیشه ستمگران وقتی تحمل حق و حقیقت را نکردند، سعی می کنند مظاهر دین را پاک کنند. سعی می کنند با غوغا سالاری، تبلیغات، کشت و کشتار، تهمت زدن، انگ زدن، حق را از صحنه جامعه و خاطره ها پاک کنند. شیعه اربعین شناس است که تحت تاثیر این غوغا سالاری ها قرار نمی گیرد.

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد
پیداه روی اربعین

وفاداری به امام معصوم علیه السلام جو پلیسی بر نمی دارد

جابر بن عبدالله انصاری و عطیه آن مفسر بزرگ و راوی عزیز که از تابعین است این ها دل شیر داشتند، همین که خبر پیدا کردند در مکه، که حسین (علیه السلام) در کربلا کشته شده و با آن جو پلیسی که نظام یزید درست کرده بود و تمام خانه های بنی هاشم را در مدینه خراب کرده بودند که یعنی این نهضت تمام شد و کار بنی هاشم تمام شد جابرو عطیه در این شرایط و جو پلیسی بپا خواستند که ثابت کنند وفاداری به امام معصوم که جو پلیسی بر نمی دارد مرور زمان بر نمی دارد.

هرچه می خواهد بشود. وفاداری به امام و دین و دیانت، تجدد و روشن فکری و آزادی و... این ها را برنمی دارد. همیشه حق باید برای قلب مومن ظاهر، حاضر، حی و زنده باشد. این می شود که جابر بن عبدالله سنت اربعین را پایه گذاری کرد البته توصیه، توصیه معصوم است. این که برای ما جابر بن عبدالله انصاری خیلی مهم است و خیلی سنت اربعین را ما به توجه جابر بن عبدالله می دانیم، جابریک کار بزرگی کرد. یک نمونه ساده اش را من در ۱۵ خرداد نشان می دهم که اگر اربعین نبود مطمئناً این انقلاب نبود. وقتی که امام را روز ۱۴ خرداد زندان کردند، شب آمدند و امام را بردند، بعد فردا که مردم بیدار شدند دیدند امامشان را - مگه امام چی میگفت از دین می گفت - زندان کردند، ریختند به خیابان ها. با چی با چاقو و قندشکن و سیخ و... و عموماً هم زن ها جلو بودند بعد فردوست در خاطراتش می گوید که آنقدر آدم آمده بود و آنقدر ما کشتیم که خودمان هم ترسیدیم. در صورتی که تاریخ میگه که سه پایه یک مسلسل را گذاشتند دم صحن و مردم را همین طور کشتند. حساب در کارشان بود. کشتند و امامشان هم که روز قبل زندان کرده بودند بعد گفتند که این ملت برای همیشه وفاداری شان را به این امام و این انقلاب پس می گیرند. هرچه وفادار ظاهر بود کشتیم و بقیه هم که قایم شدند و رفتند و تمام شد. امام را که بعد از حدود چهل روز آزاد کردند و بردند به یک ده در حومه شهر به نام داوودیه که به اصطلاح تبعید کنند. مورخین می گویند آنقدر مردم به ملاقات امام رفتند که جاده داوودیه تبدیل به قطار ماشین ها شده بود. این چه سنتی است بعد از این همه کشتن چه دلی است؟! چه شعوری است؟ شاه فکر می کرد مگه کسی جرأت داره بره پیش امام میگیریمش و می کشیم. و همین کار را کردند ولی حضور حماسی مردم کار را تمام کرد. اگر

لِنُمَّهَدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیاده روی اربعین

درست به نهضت کربلا نگاه کنیم این همه شباهت آن با انقلاب امام از عجایب عالم است. عمده این است که چهل روز، نه یک سال، نه یک ماه، نه دو روز، چهل روز گذشته است می بینیم که هنوز وفا داری زنده است. اصلاً همه اینها تلاش کردند که این نباشد وگرنه یک تکه گوشت کشتن که هنر نبود. اینها می خواستند که همین نباشد. وفاداری به اباعبدالله نباشد. و چه وفاداری ای؟ وفاداری عاشقانه که این ها را سبیل دین بگیرند. این جاست که در واقع عهد حسینی با اربعین حفظ شد و امروز من و شما اربعین می گیریم یعنی یا اباعبدالله مرور زمان ارتباط من و شما رو قطع نمی کند. همیشه شما حق هستید و ما بنا داریم با حق ارتباطاتمان را برقرار کنیم. ما وفاداری به حق را هیچ وقت از دست نمی دهیم. مرور زمان و غوغای زمانه و جو زمانه این را از بین نمی برد.

لِنُمَّهْدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پياده روی اربعين

هویت اربعین، هویت عبور از فرهنگ تحمیلی غرب

بعد از اربعین بازخوانی آن شد که اگر بخواهیم اسلام بماند باید نگذاریم نگاهمان از اربعین به جای دیگر دوخته شود. اربعین یک فرهنگی است برای اینکه همواره روح دینی جاری در عالم بشری را از طریق آن پاس بداریم. بسیار دشمن تلاش کرده است که اربعین ساقط بشود و اصرار اهل البيت عليهم السلام و صحابه خاص آن ها بر این است که اربعین فراموش نشود. اگر بخواهیم امروز تاثیر گذار باشیم باید چشممان از فرهنگ اربعینی به جای دیگر دوخته نشود. امروز شما ملاحظه می کنید که در فرهنگ حماسی میلیونی اربعین، یک اراده جدیدی در تاریخ دارد ظهور می کند. این هویت، هویت عبور از فرهنگ تحمیلی غرب است و

بازخوانی بشر مقدس گرا به دینی که فعالانه وارد تاریخ شده است. اگر بخواهیم زودتر از زمان خودمان در صحنه باشیم، باید این فرهنگ میلیونی مردمی اربعین را به استقبال برویم و این یک حضور فعال در تاریخی است که به اراده الهی در حال تحقق است.

ایثار برگشت به معنویت

فرهنگ اربعین که در تاریخ معاصر ظهور کرده است، نشان می دهد که هویت جدیدی به شیعه در حال برگشتن است. که در واقع بازخوانی دورانی است که دیگر بناست تحت تاثیر فرهنگ سکولار غرب نباشد. شما ساده نگیرید که میلیون ها نفر با عزمی خاص کنار هم به یک صحنه تاریخی وارد می شوند. اینها یعنی تک تک این انسان ها یک اقیانوس انسانند برای برگشت به راه قدسی که فراموش شده بود. حضرت سیدالشهداء با ایثار خود، ادب ایثار نسبت به همدیگر را برای برگشتن به تاریخ قدسی را به ما متذکر شدند. و امروز شما در حرکت و پیاده روی های اربعین این ایثار برگشت به معنویت را دارید تجربه می کنید و این حضور در تاریخی است که همینطور که اربعین ها انقلاب اسلامی در محدوده ایران را درست کرد، این اربعین های بیست میلیونی، انقلاب بازگشت به معنویت را به جهان بشری متذکر می شود.

لِنُمَهِّدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد
پیاده روی اربعین

آن چه که تاکید من است، جابر خوب می فهمد که این حدوث و این حضور، بشریت را در ادامه تاریخ نجات می دهد. ما باید ماوراء نگاه غربی به این مناسبات امروز حماسه اربعین نگاه کنیم. نگاه غربی ما را برای همدیگر طور دیگری تعریف کرده بود. و ما در پیاده روی های اربعین، تعریف درستی که « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ » (حجرات - آیه ۱۰) است را حس می کنیم. و عملاً آن ملت واحده ای را که باید تمسک کند به ثقلین، دارد متولد می شود. آنچه که ما احساس می کنیم، ملتی به صحنه آمده اند که ازین به بعد آنچه اراده می کنند می توانند به فعلیت در آورند. قبلاً شما اراده می کردید. دشمن استکباری برای شما چیز دیگری اراده می کرد و آن عملی می شد.

لِنَمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَا

معرفتی موجز در مورد

پیاده روی اربعین

اربعین افقی معنوی

علی بن میمون، خدمت امام صادق علیه السلام است. حضرت می فرمایند: «یا علی زر الحسین و لاتدعه». راوی می پرسد که «مالن أتاه من الثواب» دقت کنید. او می گوید که من چه ثوابی می برم؟ حضرت صادق (علیه السلام) برمی گردانند روی «من أتاه ماشياً». سائل نمی پرسد که من پیاده بروم یا نه. حضرت موضوع را می برند روی مشی. بعد می فرمایند: «كتب الله له بكل خطوه حسنه ومحى عنه سيئه ورفع له درجه» حضرت می فرمایند: با هر قدمی که زوار برمی دارد، یک گناهش برداشته می شود، یک حسنه به او داده می شود و «رفع له درجه»، در شخصیت برتر می شود. «فإذا أتاه وكل الله به ملكين يكتبان ما خرج من فيه من خيرو ولا يكتبان ما يخرج من فيه من شر» معنی فارسی این است، بحثش هم عجیب است. می

فرمایند: بعد از اینکه زائر زیارت کرد، گناهانش را ملکان نمی نویسند و خیرهای او را می نویسند. می دانم برای شما مسئله می شود که یعنی چه؟ یعنی مورد نظر حضرت حق قرار می گیرد. اگر بخواهم خیلی ساده بحث کلامیش را نکنم آن قسمتی که یعنی چه که او آن قدر مورد نظر حضرت حق قرار می گیرد که حضرت حق گناهان او را نمی نویسد یعنی چی؟

برداشت اولیه این است که آنچنان رجوع به حضرت سیدالشهداء، او را در افق معنوی

قرار می دهد که گناهان، شخصیت حقیقی او نیستند. «فإذا انصرف ودعوه و قالوا

یا ولی الله مغفوراً لک أنت من حزب الله و حزب رسوله و حزب أهل بیت رسوله» خیلی

عجیب است. می گوید اگر این با این سیرش یعنی ببینید دوباره من مشی را دارم

می گویم. این حرکت آشکار یعنی حضور حسین در تاریخ. مشی را ازش ساده

نگذرید. حضور حسین در تاریخ با مشی شیعه ظهور می کند. بعد وقتی خطاب

رسید «یا ولی الله»، ببینید، به زائری که در یک اینچنین شرایط تاریخی قرار گرفته

است، خطاب «یا ولی الله» داده می شود.

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیداده روی اربعین

ابر مرد تاریخ توحید ساز

«عن الحسن بن ثوین: قال أبو عبد الله یا حسین إنه من خرج من منزله یرید زیارة قبر الحسین بن علی علیه السلام إن کان ماشیا» من عذر می خواهم وقتتان را می گیرم روی مشی من حرف دارم. که یک نوع حضور تاریخی است. یک عبادت فردی مشی نمی خواهد این جا. مفصلش را هم خودتان می دانید. می فرماید: «إن کان ماشیا کتب له بكل خطوة حسنة و محی عنه سیئة... حتی إذا صار فی الحائر» تا اینجایش درست شد؟ می فرماید: اگر که حرکت کرد و آمد رسید به حائر یعنی حاشیه قبر مبارک. می فرماید حالا یک شخصیتی می شود که «کتبه الله من المصلحین المنتجبین» مصلحین المنتجبین را چی معنی می کنید؟ یعنی یک شخصیت تاریخی می شود یعنی دیگریک شخص مومن فردی نیست. حرکت اربعین، حرکت تاریخ ساز است. می گوید خداوند این را مصلح منتجب، یعنی یک انسانی که دغدغه بشریت دارد و انتخاب شده است. «حتى إذا قضی مناسکه کتبه الله من الفائزین» می فرماید: چون که تو این حرکت را تمام کردی، آمدی مشی کردی، رسیدی و زیارت کردی، حالا تو پیروزمند شوی. توانستی نقش تاریخی خود را درست اجرا کنی. فائز یعنی کسی که توانسته است اهداف مورد نظر خودش را به دست بیاورد. «حتى إذا أراد الانصراف أتاه ملک فقال إن رسول الله صل الله علیه وآله وسلم یقرئک السلام و یقول لک استأنف العمل فقد غفر الله لک ما مضی؛» می فرماید وقتی که منصرف شد آمد زیارت کرد و برگشت، ملکی به او می گوید که رسول الله به تو سلام رساند. رسول الله یعنی چه؟ یعنی انسانی که توحید را به تاریخ برگردانده

لِنُفِّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیداده روی اربعین

است. رسول الله یعنی فتح تاریخ توحید. یعنی اگر زیارت کربلا به مشی انجام بشود، ابرمرد تاریخ توحیدساز، محقق می شود.

یک نحوه عصمت برای زائر

«عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ان الرجل لیخرج الی قبر الحسین علیه السلام» از خود «فله إذا خرج من أهله بأول خطوة» معلوم می شود حرکت، مشی است. «مغفرة ذنوبه ثم لم یزل یقدس بکل خطوة حتی یأتیه فإذا أتاه ناجاه الله تعالی فقال عبدي سلنی أعطک ادعنی أجبک اطلب منی أعطک سلنی حاجة أقضیها لک و قال أبو عبد الله و حق علی الله أن یعطى ما بذل؛» معنی ظاهریش این است که: اگر که شخصی از خانه اش حرکت کرد به سوی زیارت سید الشهداء، هر قدمی که بر می دارد در مجموع به مقام «مغفرة ذنوبه» می رسد. یعنی یک نحوه عصمت رفقا. این دارد می گوید در حرکت به سوی امام معصوم مقتول یک نحوه عصمت نصیب زائر می شود. بعد می فرماید حالا بعد ازین عصمت «ثم لم یزل یقدس بکل خطوة». یعنی حالا قدم ها، قدم های محو گناه نیست. قدم های تقدیس است از طرف عالم ملکوت و عالم جبروت. یعنی یک شخصیت برانزده می شود. و در ادامه می فرماید که وقتی به قبر رسید به مقامی می رسد که حضرت حق می فرماید هر چه اراده کنی من محقق می کنم. و من هم در این چند سفر که مفتخر بودم در پیاده روی اربعین، در برگشت به رفقا همین را گفتم که یک تمدن دیگری که گم شده بود در حال شروع است.

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد
پیاده روی اربعین

اربعین حرکتی تمدن ساز

عزیزانی که در مورد تمدن کار کرده اند می دانند که تمدن وقتی ظهور می کند که مردم عموماً دست ها و دل هایشان به سوی هدف مقدسی اشاره داشته باشد و آنچه که در پیاده روی های اربعین در حال تحقق است، یک تمدنی را ارزش خبرمی دهد و اگر ائمه تاکید می کنند بر زیارت اربعین برای اینکه می خواهند افق را برای ما به فعلیت برسانند.

کربلا دریای خشک نشدنی عبرت ها

کربلا دریای خشک نشدنی عبرت ها است. در صدر اسلام افسویان یعنی بابای معاویه آنور است و به اسم مقابل اسلام و پیامبر این طرف به عنوان مظهر اسلام ۶۰ سال می گذرد امام حسین نئوذ بالله جای ابوسفیان حساب میشود در جامعه و پسر معاویه جای پیغمبر. شده یا نشده؟ یعنی حالا امام حسین پسر پیامبر ص شده است شورشی، خارجی. همینطوری یکهو یک شبه شده است؟ ۶۰ سال چه خبر شد؟ ۶۰ سال چه چیزی یواش یواش آمد عقیده مردم شد که مردم راحت الانه در کل جامعه اسلامی پذیرفته اند که یزید امیرالمومنین است و به امام حسین نصیحت می کنند. من در جلسه ای بیک بار مفصل عرض کردم که بینش هایی که به امام حسین نصیحت می کنند. ۶۰ سال چی گذشت که یواش یواش اسلامی سر کار آمد که این اسلام میپذیرد که یزید امیرالمومنین باشد و پسر پیامبر هم بکشند برود پی کارش. ببینید یک جوّی بود که این جو آرام آرام آرام آرام اموی اسلامی حساب می شد. ائمه تلاش می کردند که بگویند آن یکی اسلام نیست ولی معاویه نمی گفت اسلام نیست. میگفت این که شما میگویید یک

لِنُمَّهَدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیاده روی اربعین

اسلام و اینکه من می گویم یک اسلام دیگر. چرا اسلام شما؟ می گفتند این دو تا اسلام است. نمی گفتند که آن اسلام نیست می گفتند که هر دوی آنها اسلام است. یواش یواش وقتی بگویند دو اسلام است آهسته آهسته آن اسلام می گوید چرا من نه. زیارت اربعین دارد میگوید که ما همان اسلام علوی را به آن پایداریم. یعنی زیارت اربعین اعلان موضع است در جوی که میگفتند هم اسلام اموی هم اسلام علوی.

اربعین نمایش حفظ دین و دین داری

اربعین شهدای کربلا، نمایش حفظ دین و دینداری است. برای حقانیت راه دین همین قدر کافیست که بعد از چهل روز از حادثه کربلا، همه چیز در شام تغییر کرد. جمله ای که یزید بعد از این حادثه گفت این بود که خدا لعنت کند پسر مرجانه را، من هرگز نمی خواستم که حسین بن علی (ع) کشته شود. اگر کمی دقت کنیم حرفهای زیادی در این جمله نهفته شده است. حرکت دینی حتی اگر به قیمت کشتن دینداران باشد، چیزی نمی گذرد که حقانیت خودش و مغلوبیت ستم را نشان می دهد.

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد
پیاده روی اربعین

اربعین ظهور پیروزی کامل حق

اربعین ظهور پیروزی کامل ابا عبدالله الحسین (ع) است. خوب نگاه کنید که این بزرگواران چگونه به کربلا وارد شدند و بعد از چهل روز چگونه از آن خارج شدند، در حالیکه یزید دستور می دهد بهترین لباس ها و بهترین مهمل ها را برایشان آماده کنید. یزید دستور می دهد اینها را با احترام ببرید و اگر کسی از آنها تصمیم گرفت برای وضو پیاده شود، همه ی لشکر باید همراه با او پیاده شوند. نهضت عاشورا یک نمونه کامل از سقوط ستم است در مقابل حیات دینی. این همان سنت "وَأَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ" است. قرآن و فرهنگ قرآنی با هر ضدیتی که برخورد کند آن را خرد میکند. اگر در مقابل مسیر ما مقاومتی وجود دارد به خاطر این است که قرآنی حرکت نمی کنیم. مگر می شود حرکتی قرآنی باشد و در مقابل، رقیب (دشمن) از کوه محکم تر باشد؟ (این خلاف سنت الهی است.)

لِنُمَهِّدَ أَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعًا

معرفتی موجز در مورد

پیاده روی اربعین

فرهنگ دینی جنس اش جنس بقا است

این مسئله هرگز نباید فراموش شود که در صحنه کربلا دشمن می خواست این بزرگواران را خلاص کند. دستور یزید در این باره چیست؟ دستور می دهد که اینها را به جایی ببرید که نه آبی باشد و نه دهکده ای، و نه حتی کوهی که به سایه اش پناه ببرند. یعنی جایی که هیچ کاری نتوانند انجام دهند، تا جایی که امام حسین (ع) قصد داشتند به دهکده ای نزدیک آن مکان بروند ولی حرگفت به ما دستور داده اند شما در جایی بمانید که هیچ چیزی نباشد، حتی کوهی نباشد که به سایه اش پناه ببرید. مگر ظاهرا تمام کردن کار این بزرگواران سخت بود؟ و

مگر هدف دشمن همین خلاصی نبود؟ باید قاعده را درست ببینیم. قاعده این است که فرهنگ دینی جنسش بقاست. شما نمونه این فرهنگ را در امام (ره) دیدید، چرا امام (ره) را در ۱۴ خرداد گرفتند اما ایشان را نکشتند؟ مگر کشتن ایشان سخت بود؟ این چه نوع نگاه است؟ اصلاً مگر کشتن و نکشتن فرقی هم میکند؟ همین بس که فرهنگ دین، فرهنگ بقاست. اگر امام (ره) را می کشتند کربلا به پا می شد، و زنده گذاشتن ایشان تبدیل به عزای شاه شد. جنس فرهنگ دینی را باید شناخت. اگر می خواهید در این زندگی بمانید و ساقط نشوید، باید فرهنگ دینی داشته باشید.

اربعین میقات ملاقات با خدا

لِنُفِّدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَا

حضرت امام عسگری (علیه السلام) یکی از خصوصیات مومنین را اربعین گرفتن برای حضرت سیدالشهدا می داند. راز این مسئله خوب است روشن شود که می فرماید، یکی از خصوصیات مومن این است که برای حضرت سیدالشهدا اربعین را به پا کند. علت آن هم این است که از عاشورا تا اربعین، زائر حضرت سیدالشهدا باید به حسین (ع) فکر کند مثل هر سالکی که در اربعینی خاص به خدا فکر می کند.. شما در قرآن دارید که حضرت موسی (ع) با اربعین خودش تم میقات ربه (میقات ربّش را به اتمام رساند). میقات یعنی محل ملاقات، پس معلوم است که با اربعین حسینی یاد حضرت سیدالشهدا آنچنان در قلب انسان به تعالی می رسد که ملاقات به واقع صورت می گیرد و عجیب این است که شما می بینید در زیارت اربعین مستقیماً با خود حضرت صحبت کردن را شروع می کنید.

معرفتی موجز در مورد
پیداده روی اربعین

اربعین ظهور نتایج توکل و یقین

در روز اربعین ثمره ی توکل و یقین کربلا معلوم شد در کربلا دو صحنه ی عجیبی رو به روی هم ایستاد که خیلی نزدیک است به توکل و عدم توکل. صحنه حضرت اباعبدالله (علیه السلام) این بود که برای اهداف الهی خود خدا وکیل است و هیچ مانعی هم نمیتواند این اجرا را به هم بزند، یعنی توکل و یقین در کربلا آن چنان اوج گرفته است که به معنی حقیقی توکل که ابزارها به خودی خود هیچ کاره ی هیچ کاره اند در حرکات و سکنات حضرت مشخص است برای این که این مسئله روشن بشود به رقیب و مقابل حضرت نگاه کنید؛ ببینید تمام فکرش این است که می تواند با این اسلحه ها و زورش به آن چه می خواهد برسد یعنی دنیا را بی صاحب بی صاحب می داند و فکر می کند خوش می تواند با این ابزار هاش صاحب دنیا بشود. بحث برسر این است که چی شده که دشمن ابا عبدالله به این جا رسیده است و آن طرف چی شده است که حضرت اباعبدالله هیچ چیز نیست برایشان امیدواری های دشمن؟

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَا

معرفتی موجز در مورد

پیداده روی اربعین

۲۲

اربعین بازگشت احترام به اهل بیت علیهم السلام

اربعین یک چیز عجیبی بود، چون بنده مفصلاً عرض کردم در جای خودش اصلاً نمی خواهم واردش بشوم، ولی این که آخر، همیشه هر وقت خواستید بفهمید دشمن چقدر موفق است ببینید چقدر به طمع هاش رسیده است، این قاعده است، همیشه قاعده است. می خواست این خانواده ای که قداستشان خباث آن ها را ثابت می کرد از صفحه ی روزگار خارج کند. این که مثلاً معتصم می گوید که: داغون است از دست امام هادی داغون است. آخر امام هادی چکار می کند مگر؟ ائمه

ی ما چکار می کردند که خلیفه ی وقت می گوید من شب ها خوابم نمی برد از دست این ها. حالا به تعبیر خودشون. جمله ام را دوباره التفات بفرمایید؛ قداست این خانواده نمی گذارد خباثت این ها حق جلوه کند. یعنی واقعا شما فکر می کنید جمهوری اسلامی کم موفق است؟ اگر شما کلید موفقیت را از کربلا گیریاورید آن وقت می فهمید که این انقلاب حسینی موفقیتش تا عرش الان هست، نگاهتان را درست کنید. حالا مگر دشمن طمعش چی بود؟ دیگر ننگی نبود که به این خانواده نزند دیگه. می خواست این ها را خلاص خلاصشان کند دیگه. خب اربعین یعنی چی؟ یعنی بازگشت فرهنگ احترام به این خانواده بعد از چهل روز. چهل روز که چیزی نیست. بازگشت احترام به این خانواده از اربعین شروع شد، اصلا همه چیز ریخت به هم. وقتی شما می بینید جابر از مدینه بلند می شود میاید یعنی چی؟ یعنی فرهنگ دینی، این خانواده را در قداستش می خواد، می بیند. دشمن چی می خواست؟ آخر دشمن وقتی می گوید اصلا مرد برای این ها نگذارید حضرت امام سجاد (علیه السلام) هم که خوتان مستحضرید گفتن این دیگه همین روز ها فوت می کند دیگه. یعنی این ها بناشان این بود که دیگه کسی نماند از این ها، مرد نماند زن ها هم که دیگه خلاص هستن دیگه وحشتناک یک نقشه هایی داشتند برای زن ها. حضرت اباعبدالله به خانوادشان مطرح کردند که چیزی نمی گذرد که شما را با عزت برمی گردانند به زندگی تان. خب این را از کجا امام می داند؟ امام یک قاعده بلد است که دنیا صاحب دارد. این جور نیست خواهرها و برادرها که ما در بدی آزاد باشیم هر کاری دلمان بخواهد بتوانیم بکنیم هرچی بخواهیم بخوریم هرچی بخواهیم بگوییم هرچی بخواهیم بپوشیم هرچی بخواهیم مال خودمون بدانیم، نمی شود این طوری. آن طرفش می بینیم دیگه این فکر این

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد
پياده روی اربعين

که ما مستقیم در این دنیا کار را به جایی می کشاند که می بینید چه جنایت هایی می شود و درست است که رسوا می شوند، این بحثش در جای خودش خیلی خوب است کار شود.

امام حسین ^{علیه السلام} یاد ما داده اند

کربلا ثمره ی توکل و یقینش را در اربعین دیده است و کار حضرت، مگر این چی بود که بشریت را نگذارد گمراه بشود، شما روی این فکر کنید اگر اهل البیت نبود کی معلوم می شد مامون عباسی چقدر خبیث است؟ و کی معلوم می شد امروز حاکمان دنیا آن نیستند که باید باشند این که می بینید حتی انقلاب اسلامی شما را به شدت زیر بمباران تبلیغاتی قرار می دهند، چون این انقلاب اسلامی که کاری نمی خواهد بکند اگر بگذارند، می خواهد نشان بدهد آقا کار صحیح این است ولی نمی گذارند چون اگر بگذارند معلوم می شود همه کارهاشان غلط است ولی حسین یاد ما داده است می شود آخر که ما موفقیم حتماً فقط چهره ی موفقیت گاهی با سربریدن است، این است که برای بعضی ها سخت است، می گویند این چه موفقیتی است که سریارو را بریدند؟!

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد
پیاپی روی اربعین

اسرار تمدنی پیاده روی اربعین

حجة الاسلام پناهیان

لِنُمَهِّدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیاده روی اربعین

اسرار اجتماعی، سیاسی و تمدنی اربعین

امام «وحدت گسترده» را علامت نصرت قطعی الهی و پیروزی می دانست

۲۵

حضرت امام (ره) یک مطلبی را در سال اول بعد از پیروزی انقلاب، ۱۲ مرتبه در سخنرانی خود تکرار کرده اند و در سال دوم هم تحلیل همین مطلب را ۱۲ بار تکرار کرده اند که این بسیار قابل توجه است. ایشان می فرمود: من زمانی در فرانسه به پیروزی انقلاب، معتقد شدم که از یک روستایی به من خبر دادند که در آن روستا آن عالم ده جلو می افتد و مردم دنبال او تظاهرات می کنند و همان شعارهایی که در شهرهای بزرگ داده می شد، در آن روستا هم داده می شود. (صحیفه امام ۲۲۴/۸ و ۴۹۰/۶) امام (ره) می فرماید وقتی این داستان برای من نقل شد، به پیروزی انقلاب یقین پیدا کردم. چون با تبلیغات نمی شود یک ملتی را این طوری به صف کرد که در هر کجا، یک شعار واحد را سر بدهند. لذا من این را علامت نصرت الهی دیدم و

وقتی خدا این چنین در دل‌ها تحول ایجاد کند، این علامت یک پیروزی بزرگی است که خواهد رسید. حضرت امام این مثال را هم مکرر بیان کردند که در تظاهرات‌های قبل از پیروزی انقلاب، یک پیرزنی چند تا سکه‌ی دوریالی در کاسه‌ای ریخته بود و در کنار خیابان آورده بود که اگر انقلابیون نیاز به تلفن زدن پیدا کردند، از این پول خُردها به آنها بدهد. (صحیفه‌ی امام/ ۲۶۵/۷ و ۴۰۷/۹) حضرت امام اینها را نشانه‌ی نصرت الهی می‌داند و پای همین مثال، تحلیل‌هایی دارد.

حرکت خودجوش مردمی در اربعین اسراری دارد

بی‌تردید این تحول را باید مقدمه‌ی ظهور دانست

لِنُمَهِّدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَا

شما همین تحلیل امام را درباره‌ی اتفاقات باعظمتی که در جریان پیاده‌روی اربعین می‌افتد و این پذیرایی خودجوش مردمی ببینید. بنده می‌خواهم براساس این تحلیل حضرت امام (ره) بگویم که صحنه‌های پیاده‌روی اربعین بسیار باعظمت‌تر از این اتفاقات (فوق‌الذکر) در اقصی نقاط ایران است. در این پیاده‌روی، عشایر و سایر مردم خونگرم عراق، بعضاً تمام هستی خود را لب جاده می‌آوردند و در اختیار زائرین قرار می‌دهند. صدها میلیون وعده‌ی غذایی توسط عشایر و مردم عراق در این مسیر توزیع می‌شود. ضمن اینکه زائرین هم برای پیاده‌روی در این مسیر این همه سختی و زحمت تحمل می‌کنند؛ بدون اینکه تبلیغاتی برای حضور گسترده‌ی مردم صورت گرفته باشد. این همدلی و این پذیرایی باشکوه از زائرین توسط ملت عراق و حضور این جمعیت میلیونی، یک حرکت خودجوش مردمی است که اسراری دارد. و این اسرار را کسانی که جامعه‌شناسی دینی و نگاه عمیق به اسرار اجتماعی، سیاسی و تمدنی اربعین / امام «وحدت گسترده» را علامت نصرت قطعی الهی و پیروزی می‌دانست حضرت امام (ره) یک مطلبی را در سال اول بعد از پیروزی انقلاب،

معرفتی موجز در مورد

پیاده روی اربعین

۱۲ مرتبه در سخنرانی خود تکرار کرده‌اند و در سال دوم هم تحلیل همین مطلب را ۱۲ بار تکرار کرده‌اند که این بسیار قابل توجه است. ایشان می‌فرمود: من زمانی در فرانسه به پیروزی انقلاب، معتقد شدم که از یک روستایی به من خبر دادند که در آن روستا آن عالم ده جلو می‌افتد و مردم دنبال او تظاهرات می‌کنند و همان شعارهایی که در شهرهای بزرگ داده می‌شد، در آن روستا هم داده می‌شود. (صحیفه امام/۸/۲۲۴ و ۶/۴۹۰) امام (ره) می‌فرماید وقتی این داستان برای من نقل شد، به پیروزی انقلاب یقین پیدا کردم. چون با تبلیغات نمی‌شود یک ملتی را این طوری به صف کرد که در هر کجا، یک شعار واحد را سر بدهند. لذا من این را علامت نصرت الهی دیدم و وقتی خدا این چنین در دل‌ها تحول ایجاد کند، این علامت یک پیروزی بزرگی است که خواهد رسید.

لِنُمَهِّدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

حضرت امام این مثال را هم مکرر بیان کردند که در تظاهرات‌های قبل از پیروزی انقلاب، یک پیرزنی چند تا سکه دوریالی در کاسه‌ای ریخته بود و در کنار خیابان آورده بود که اگر انقلابیون نیاز به تلفن زدن پیدا کردند، از این پول خُردها به آنها بدهد. (صحیفه امام/۷/۲۶۵ و ۹/۴۰۷) حضرت امام اینها را نشانه نصرت الهی می‌داند و پای همین مثال، تحلیل‌هایی دارد. حرکت خودجوش مردمی در اربعین اسراری دارد/ بی‌تردید این تحول را باید مقدمه ظهور دانست

معرفتی موجز در مورد
پیاده روی اربعین

۲۷

شما همین تحلیل امام را درباره اتفاقات باعظمتی که در جریان پیاده‌روی اربعین می‌افتد و این پذیرایی خودجوش مردمی ببینید. بنده می‌خواهم براساس این تحلیل حضرت امام (ره) بگویم که صحنه‌های پیاده‌روی اربعین بسیار باعظمت‌تر از این اتفاقات (فوق‌الذکر) در اقصی نقاط ایران است. در این پیاده‌روی، عشایر و سایر مردم خونگرم عراق، بعضاً تمام هستی خود را لب جاده می‌آوردند و در اختیار زائرین قرار می‌دهند. صدها میلیون وعده غذایی توسط عشایر و مردم عراق در این مسیر توزیع می‌شود. ضمن اینکه زائرین هم برای پیاده‌روی در این مسیر این همه سختی و

زحمت تحمل می‌کنند؛ بدون اینکه تبلیغاتی برای حضور گسترده مردم صورت گرفته باشد. این همدلی و این پذیرایی باشکوه از زائرین توسط ملت عراق و حضور این جمعیت میلیونی، یک حرکت خودجوش مردمی است که اسراری دارد. و این اسرار را کسانی که جامعه‌شناسی دینی و نگاه عمیق

سنت‌های دینی دارند، متوجه می‌شوند. بی‌تردید این تحول را باید مقدمه ظهور دانست. حضرت امام(ره) در سال ۶۱ می‌فرمود: اینکه جوان‌های ما تقاضای شهادت می‌کنند، از علائم ظهور است (این شوق و شغفها به لقاء الله برای آنها حاصل شده است... که یکی از علائم ظهور بقیة الله ارواحنا فداه است؛ صحیفه امام/۱۶/۱۲۹) و شما امروز می‌بینید که میلیون‌ها نفر با اطلاع دقیق از خطرات احتمالی، در این پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنند. پیاده‌روی اربعین، نقطه اوج دسته‌های عزاداری و تظاهرات برای امام حسین(ع) است

لِنُمَهِّدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَا

معرفتی موجز در مورد

پیاده روی اربعین

حضرت امام(ره) نسبت به دسته‌های عزاداری و تظاهرات درباره اباعبدالله الحسين(ع) عنایت ویژه‌ای دارند و اصلاً آثار مجالس محدود زیر سقف یا زیارت عاشوراهای خانگی را در آن حدّ و اندازه نمی‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «سیدالشهدا را این گریه‌ها حفظ کرده است و مکتبش را این مصیبت‌ها و داد و قال‌ها حفظ کرده؛ این سینه‌زنیها و این دستجات، و عرض می‌کنم اینها حفظ کرده. اگر فقط مقدّسی بود و توی اتاق و توی خانه می‌نشست برای خودش و هی زیارت عاشورا می‌خواند و تسبیح می‌گرداند، نمانده بود چیزی، هیاهو می‌خواهد. هر مکتبی هیاهو می‌خواهد، باید پایش سینه بزنند، هر مکتبی تا پایش سینه زن نباشد، تا پایش گریه کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد، حفظ نمی‌شود.» (صحیفه امام/۸/۵۲۶) همان‌طور که امروز می‌بینید، اوج دسته‌های عزاداری و تظاهرات درباره امام حسین(ع) در پیاده‌روی اربعین دیده می‌شود. اگر کسی با نگاه‌ها و بیانات حضرت امام(ره) آشنا باشد، به اسرار اجتماعی، سیاسی و جهانی اربعین

پی خواهد برد. کما اینکه اگر کسی با کلمات اهل بیت (ع) آشنا باشد، می تواند به اسرار معنوی و اسرار اجتماعی، سیاسی و جهانی پدیدهٔ اربعین پی ببرد. امام (ره): اهل بیت (ع) از همان اول نقشه داشتند که با اشک برای حسین (ع) چه قدرتی می توان ایجاد کرد

حضرت امام (ره) می فرمود، این همه ثواب برای امور مربوط به عزای امام حسین (ع) - مثلاً اینکه برای یک قطره اشک این قدر ثواب قرار داده اند - معنایش این است که اهل بیت (ع) از همان اول نقشه داشتند که با این اشک، چه قدرتی می توان ایجاد کرد. (چرا خداوند تبارک و تعالی برای اشک و حتی یک قطره اشک و حتی تباکی، آن قدر ثواب داده است؟ کم کم مسأله از دید سیاسی اش معلوم می شود... مهم آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه اش را کشیده اند که تا آخر باشد و آن، این [که] اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده و هیچ چیز نمی تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سید الشهداء در او تأثیر دارد، تأثیر بکند؛ صحیفه امام/ ۱۶/ ۳۴۴) شما این تحلیل حضرت امام (ره) - دربارهٔ ثواب یک قطره اشک - را در کنار فرمایش امام حسن عسکری (ع) دربارهٔ زیارت اربعین قرار دهید که آن را یکی از پنج علامت مؤمن بیان فرموده اند. (عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ... وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ؛ تهذیب الاحکام/ ۶/ ۵۲) امام حسن عسکری (ع) آخرین امام حاضر بودند که پیام های خود را به طور مستقیم به شیعیان می دادند و ایشان قطعاً می دانستند این سخن شان - که در واقع یک میعادگاه برای عزاداران و زوار حسین (ع) مشخص کرده اند - در آینده میلیون ها مجری پیدا خواهد کرد و روزی خواهد رسید که ده ها میلیون نفر در ایام اربعین در بیابان ها به سوی کربلا حرکت خواهند کرد. برخی از پنج موردی که امام حسن عسکری (ع) به عنوان علائم مؤمن برشمردند، خیلی فراگیر است؛ مثل آن اموری که مربوط به نماز است، مانند بلند گفتن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. برخی مواردش

لِنُمَهِّدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَا

معرفتی موجز در مورد
پياده روی اربعين

هم خیلی جزئی است، مثل انگشتر به دست راست کردن، که یک آدابی است که مسأله چندان حیاتی ای نیست. بعد یک دفعه ای در بین اینها زیارت اربعین را هم قرار داده اند. (عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسُ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ تهذیب الاحکام/۶/۵۲)

واقعاً مردم اگر این پنج ویژگی را به عنوان علائم مؤمن، شروع کنند به رعایت کردن، اثر اربعین قابل مقایسه با بقیه موارد نیست. اما چرا حضرت اربعین را لایه لای این چند مشخصات جزئی تر و سهل الوصول تر قرار داده اند؟ شاید علتش این باشد که حضرت خواسته اند این پیام را پنهان کنند. ایشان در این حدیث شریف پیامی داده اند که این پیام باید بماند و به وقت خودش اجرا شود. لذا آن را در بین توصیه های ساده دیگر، پنهان کرده اند تا هر کسی از دشمنان که این را دید، متوجه نشود که این چه نقشه ای است و چه سخن عظیمی پشت سر آن نهفته است؟ بنده تصور می کنم که این یک نوع پنهان کاری است تا پیام حضرت در زمان مورد نظر، به دوستان و شیعیان برسد و آنها اجرا کنند. و الان همان زمان است. چون اگر بخواهد پیاده روی میلیونی صورت بگیرد، دولت ها باید پای این کار بیایند. و الان می بینید که دولت ها پای این کار آمده اند. حتی ملت ها و اقوام و هیات ها باید پای این کار بیایند.

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد
پیاده روی اربعین

توصیه های طب ایرانی اسلامی

حکیم خیراندیش

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیاده روی اربعین

پیاده روی قوت تن و روان

۳۱

اولین گام برای اینکه بتوانیم در یک حرکت بزرگ سالم بتوانیم شرکت کنیم این است که توان پیاده روی باید داشته باشیم. توان پیاده روی، توان می آورد. قوت مفاصل می دهد. قوت قلب می دهد. چون شتاب گردش خون در مغز هم افزایش پیدا می کند پس بنابراین نشاط مغزی می دهد پس خوش فکری می دهد. پیاده روی قوت تن و روان می دهد. هم تن را قوی می کند، هم قلب را قوی می کند، هم مغز را قوی می کند.

رفع بوی بد بدن

راه که رفتی عرق می کنی. این عرق بد بو ممکن است همراهان شما را در آنجا برنجاند. اگر می خواهید عرق بد بو نشود بدنتان را با سرکه بشویید. تن خود را که شستید و بدن را صابون زرد و پاک کردید با سرکه لیف را آغشته می کنید ۵ دقیقه بماند بعد بشویید. دیگه بدن بو نمی دهد.

رفع درد پا

بعد در این پیاده روی مچ پا سست می شود و درد می گیرد. برای این پایتان را بگذارید در آب و نمک. آب و نمک استحکام بخش مفاصل است. ترکیبی که ما در اینجا پیشنهاد می کنیم ترکیب آب، لیمو، نمک و حنا است. آب را شور کرده و لیمو در آن ریخته و حنا به آن می کنید. این حنا را اگر به ساق بگیرید حتی این پا درد هایی که پیرمردان و پیرزنان دارند را درمان می کند در این حال مقاوم کننده هم هست.

لِنْمَهْدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد
پیاده روی اربعین

۳۲

جلوگیری از سرماخوردگی

وقتی که رفتی روزهای اول پیاده روی یک عرق شدید ایجاد میشود بعد خسته می شوید. یک دفعه این عرق خشک می شود و سرماخوردگی بدی پدید می آید. عرق که می کنید هرکجای بدن که عرق کرده و خشک شود عیبی ندارد ولی شانه هایتان را بپوشانید. شانه ها اگر چایید همه بدن می چایید. یک چیزی روی شانه هایتان بیاندازید. شانه نباید بچایید.

زندگی تان را نیمه استریل کنید تا خیلی آسیب نبینید

به هر حال جمعیت، جمعیتی بزرگ است. بزرگ با فرهنگ های مختلف، غذا های مختلف، غذای فوری می آورند آنجا، ممکن است پخته باشد یا نپخته باشد. شسته باشد یا شسته نشده باشد، و ممکن است از نظر گوارش مشکلی پیش بیاید، عفونتی پیش بیاید. اول اگر بخواهید از این عفونت ها آسیب نبینید خیلی زندگی استریل نداشته باشید. فکر نکنند آنهایی که با لیوان یک بار مصرف می خورند مریض نمی شوند، بلکه استعداد مریضیشان بیشتر از بقیه است. یک طبیعی گفت در لیوان یک بار مصرف خوردن بیماری آفرین است. من تضمین می کنم این حرف را. لیوان ده بار مصرف، یعنی لیوانی که می شوئید و آب می خورید سالم تر است تا اینکه لیوان یک بار مصرف بخوری و بیاندازید دور. چون میکروب ضعیف شده قابل خوراک بدن را در برابر آن تقویت می کند. زندگی تان را نیمه استریل کنید که خیلی آسیب نبینید وقتی در این شرایط رفتید. یک کار علمی هم انگلیس ها انجام دادند به خاطر اینکه این را ثابت کنند. آمده اند یک جمعیت ۲۰۰۰ نفری انگلیس را از مکان استریل انگلیس برده اند به یک مکان آلوده، شش ماه در آنجا زندگی کرده و برگشته اند. اینها اندازه گیری کرده اند کل فاکتورهای ایمنی آنها تغییر کرده بود و ایمنی آنها رفته بود بالا. کجا برده بودند؟ برده بودند هند. هند را نمی دانید که چقدر کثیف است. عملاً هم ما دیده ایم. یک بچه مثلاً ایل بختیاری وقتی که از چادر می آید بیرون و دست شویی می کند وقتی برمیگردد ۵۰۰ تا مگس بدرقه اش می کند. این هیچ وقت مریض نمی شود. ولی بچه ما در تهران از اتاق خواب می آید به پذیرایی و برمیگردد سینه پهلو می کند. اگر یک

لِنُمَّهِدَ اَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیداده روی اربعین

نفر سرماخورده باشد و سرفه کند این بچه فوراً آلوده می شود. این به خاطر این است که با آن آلودگی ها درگیر نیست.

اربعین و نسبت آن با وحدت

بالاترین حکمت شهادت حسین بن علی علیه السلام، که حکمت عزاداری بر آن حضرت نیز می باشد، بر پایه روایات معتبر «جهل زدایی و مبارزه با نادانی ست» چنان که امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین بر چنین هدفی تصریح و نجات از غرقابه گمراهی را علت بذل جان توسط حضرت می دانند: «...بَذَلَ مُهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ...» (۱) براهل دین ناگفته پیداست جهل ریشه اکثر مفسد است و یکی از علل غایی برانگیختن پیامبران نیز همین نجات از گمراهی ست چنان که خدای متعال می فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (۲)»

لِنُمِّدَ اِرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد
پیداده روی اربعین

آن چه بر پیروان حضرت در تحلیل واقعه عاشورا لازم است آگاهی بر جوانب شکل گیری، تاثیرگذاری و جاودانگی کاروان حسینی ست، تا به حکم علی علیه السلام که هر حرکتی متوقف بر شناخت و معرفت است «مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ» (۳) با حصول چنین معارفی، خود در مسیر این کاروان قدم گذارند و با دعوت دیگران بر اعضای این کاروان در امتداد زمان بیفزایند.

مهم ترین انحراف جامعه اسلامی در قرن اول هجری و در دوران قبل از قیام حسینی، به اعتقاد نگارنده «بحران مفاهیم دینی» و تحریف نظام ارزشی اسلامی ست، بحرانی که به صورت تحریف یا قلب مفاهیم دینی، وارد نمودن مفاهیم غیردینی به دین (بدعت) و مصداق سازی های غیرواقعی برای مفاهیم دینی تجلی یافته بود. بارزترین جلوه این انحراف را نیز باید قلب مفهوم «خلافت» و تبدیل آن به «سلطنت»، علاوه بر جا زدن مصداقی قلبی به عنوان «خلیفه» دانست؛ چنان که امام حسین

علیه السلام هم تصریح براین معنا داشته اند که قصدشان از قیام اصلاح اوضاع امت بوده : « إِنِّي لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا، وَلَا بَطْرًا، وَلَا مَفْسَدًا، وَلَا ظَالِمًا؛ و انما خرجت لطلب الإصلاح في أمة جدي، أريد أن آمر بالمعروف، و أنهي عن المنكر» (٤) و بارزترین انحراف در امت هم در نهاد خلافت است : « إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَ بِنَا خَتَمَ اللَّهُ وَ يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعَلِّنٌ بِالْفِسْقِ وَ مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ (٥) . » طبعاً بالاترین درس عاشورا به عنوان سرمشق دائمی امت اسلامی نیز همین مبارزه با مفسد اجتماعی و در رأس آن حکومت طاغوت هاست. اما ارزش های دیگری نیز در جریان قیام حسینی زنده شده که غفلت از آن ها محرومیت از بخشی از عبرت های عاشورا است. «وحدت انسان ها حول محور توحید» یا به عبارت مختصرتر «وحدت توحیدی» یکی از این مفاهیم است که متأسفانه در عصر حاضر، به مانند ایام قیام عاشورا، دچار تقلیل و حتی نفی رآسی شده است. قهراً این برخورد سلبی مفهومی موجب اختفاء مصادیق آن نیز شده که قیام عاشورا یکی از این مصادیق است. قیامی که با مخفی ماندن وجهه وحدوی آن، تبدیل به محل انتزاعات منقلب و وحدت شکنانه گشته؛ چنان که «عاشورا وحدوی» که با نگاهی به نقش آفرینانش از زهیر بن قین (که به گواه تاریخ قبل از پیوستن به کاروان حسین علیه السلام شیعه اصطلاحی اهل بیت نبوده) (٦) تا وهب (که مسیحی بوده) می توان دانست محل تجلی وحدت توحیدی و دعوت تمام موحدان به رستگاری ست، را در پشت «زیارت عاشورا» با قرائتی وحدت شکنانه مخفی کرده اند و کسی معترض هم نمی شود! طبق این نگرش پذیرش محبت اهل بیت علیهم السلام بدون شیعه بودن ممکن نیست و حتماً محب باید شیعه باشد و الا حق محبت ندارد. اگر کسانی هم در تاریخ محب بودند و خود یا نسلشان بوسیله این محبت هدایت شده اند مربوط به ما نیست! امام علی علیه السلام در مواجهه با کسی که محب آن حضرت بودند ولی بر اثر جهالت، دشمنان آن حضرت را نیز دوست می داشت فرمودند: «أَمَّا الْآنَ فَأَنْتَ أَعْوَرُ فَإِمَّا أَنْ تَعْمَى وَ إِمَّا أَنْ

لِنُمِّهِدَ اَرْضِيَّةَ

الظُّهُورِ مَعَاً

معرفتی موجز در مورد

پیداده روی اربعین

تُبْصِرُ» (۷) وظیفه ما در برخورد با چنین کسی که هم ظرفیت هدایت و هم گمراهی را دارد، و هنوز اهل هیچ یک از حزب الله یا حزب الشیطان نگشته، همان هدف امام حسین علیه السلام از قیام است که در عمل با افرادی مانند زهیریا وهب نیز محقق کردند: نجات از غرقابه گمراهی. امام صادق علیه السلام نیز ضمن حدیثی سلبا و ایجابا وظیفه شیعیانشان را در مقابله با سایرین روشن کرده اند؛ ایجابا آن که باید به دستور قرآن سعی در احیاء و هدایت معنوی آن ها کرد و سلبا آن که سهم در گمراهی آن ها (ولو بوسیله قطع کردن روزه های هدایت مانند محبت به هدایت یافتگان) به مانند قتل جمیع انسان هاست « . قُلْتُ لَهُ (أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ) : (قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا فَقَالَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا (۸) . »

لِنُمِّهِدَ أَرْضِيَّةَ
الظُّهُورِ مَعَاً

پانویس:

معرفتی موجز در مورد

پیداده روی اربعین

۱۰. « جانش را در راه تو بخشید تا بندگانت را از غرقابه نادانی و سرگردانی گمراهی نجات بخشد . » تهذیب الاحکام ، شیخ طوسی ، ج ۶ ، ص ۱۱۳

۲۰. قرآن کریم ، سوره مبارکه ابراهیم ، آیه دوم

۳۶

۱۲. امام علی علیه السلام « : هیچ حرکتی نیست مگر آن که در آن محتاج به شناخت و معرفتی هستی . » تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله ، ص ۱۷۱
 ۴. بحار الانوار ، ج ۴۴ ، ص ۳۲۹
 ۵. بحار الانوار ، ج ۴۴ ، ص ۳۲۵
 ۶. تاریخ الأمم و الملوک ۵ / ۴۱۷

۷. روی آن رجلا قَدِمَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُجِبُكَ وَأُحِبُّ فُلَانًا وَسَمَى بَعْضَ أَعْدَائِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَّا الْآنَ فَأَنْتَ أَغْوَرُ فَإِنَّمَا أَنْ تَغْمَى وَإِنَّمَا أَنْ تُبْصِرَ

شخصی به امیرالمومنین علی علیه السلام عرض کرد : من شما و فلانی (که از دشمنان حضرت بود) را دوست می دارم ؛ حضرت فرمودند : الان تو (مانند) شخص یک چشمی (و یک چشمت بیناست) ، یا در آینده به طور کامل کور می شوی یا بینا .
 بحار الانوار ، ج ۲۷ ، ص ۵۸

۸. سماعه : از امام صادق علیه السلام در مورد (معنا یا تفسیر) این آیه پرسیدم : « مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا »

حضرت فرمودند : « هر کس شخصی را از گمراهی به هدایت در آورد گویا او را حیات بخشیده و هر آن که شخصی را از هدایت به گمراهی خارج کند ، گویا آن را میرانده (و کشته است) .

وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۱۸۷

به نقل از: نشریه الکترونیکی اخوت